

## بررسی عادی‌سازی روابط اعراب و رژیم اشغال‌گر فلسطین و پیامدهای آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

محسن نصر اصفهانی (نویسنده مسئول)<sup>۱</sup>

محمد رضا رنجبر<sup>۲</sup>

احمد کاظمی<sup>۳</sup>

### چکیده

مسئله پژوهش حاضر این است که روند عادی‌سازی روابط میان اعراب و رژیم اشغال‌گر فلسطین چه تأثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران برجای می‌گذارد؟ (مسئله) روش پژوهش، کیفی و ابزارگردآوری داده‌ها به صورت فیش‌برداری می‌باشد، مسئله اصلی نیز با رویکرد تحلیلی- اسنادی مورد واکاوی قرار می‌گیرد. (روش) برقراری پیوند نزدیک و در سطح استراتژیک میان اعراب و رژیم اشغال‌گر فلسطین، این رژیم را بیش از پیش به مرزهای ایران نزدیک می‌سازد. زیرا رژیم اشغال‌گر فلسطین را قادر می‌سازد با آب‌های دریایی و سرزمینی ایران به نحو غیرمستقیم هم‌مرز شدن با ایران، سهولت در اقدامات دیده‌بانی، استراق سمع و جاسوسی اطلاعاتی است. عادی‌سازی روابط اعراب و رژیم اشغال‌گر فلسطین از زوایای مختلف بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تأثیر می‌گذارد که شامل عواملی چون تضعیف هم‌پیمانان منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، توسعه و گسترش حضور و نفوذ آمریکا در منطقه، عدم شکل‌گیری رژیم و ترتیبات امنیتی پایدار در خاورمیانه، برهم خوردن ساختار توازن قدرت و رشد گروه‌های رادیکال و افراطی در منطقه می‌باشد. (یافته‌ها) واژگان کلیدی: اعراب، رژیم اشغال‌گر فلسطین، موازنه تهدید، امنیت ملی، عادی‌سازی، جمهوری اسلامی ایران.


۱. استادیار گروه معارف،؛ دانشگاه پیام نور؛ تهران، ایران.

nasresfahani@pnu.ac.ir

 <https://orcid.org/0000-0001-6443-8915>

۲. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

mrranjbar.dr@pnu.ac.ir

 <https://orcid.org/1234-5678-9101-1213>

۳. کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

 <https://orcid.org/0000-0003-4195-5519>

## مقدمه

پس از جنگ جهانی اول و پیروزی قدرت‌های بزرگ، جهان وارد دوره جدیدی از منازعات سرزمینی و قومی - مذهبی شد. در اوایل تاسیس رژیم اشغال‌گر فلسطین توسط بریتانیا، جنگ‌های زیادی بین اعراب و رژیم صهیونیستی جهت سلطه و بازپس‌گیری سرزمین فلسطین شروع شد. در این میان به دلایل متعدد اعراب موفقیت‌های چشمگیری در این نبردها (۱۹۴۹)، ۱۹۵۶، ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳) به دست نیاوردند و به دنبال آن سیاست انزوای طلبی را در عرصه بین‌المللی در پیش گرفتند. آنچه قابل بررسی، مبرهن و مبرم هست، این است که آیا کشورهای عربی با روند عادی‌سازی روابط خود با رژیم اشغال‌گر فلسطین می‌توانند خلاهای موجود داخلی را پوشش دهند یا خیر؟ خیلی از کشورها در این برهه به دنبال امنیت پایدار ناشی از وابستگی مطلق و کامل می‌گردند.

روند علنی‌سازی امروزی که حاصل تعاملات و مذاکرات اولیه سران کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی بوده است، مسبوق به سابقه است و کشور مصر با قرارداد کمپ‌دیوید و ریاست یاسر عرفات علنی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی را در ازای بازپس‌گیری صحرای سینا آشکار ساخت و اولین پازل از سناریوی عادی‌سازی اعراب با رژیم صهیونیستی را ایجاد کرد. به تبع آن کشور اردن در ازای صحرای بلده، روابط را علنی ساخت و در سالیان اخیر کشور امارات خواستار روابط دیپلماتیک در تمامی سطوح با رژیم صهیونیستی شد. به دنبال آن حمایت سایر کشورهای عربی به ویژه عربستان را با خود همراه ساخت. کشور بحرین به دنبال امارات، عادی‌سازی را مطرح کرد و اجازه ورود و رفت و آمد رژیم صهیونیستی به کشورهای هم‌دیگر را صادر کردند. در پژوهش پیش‌رو با کنکاش و بررسی‌های عمیق به سوالاتی از جمله: ۱. اهداف و انگیزه‌های رژیم صهیونیستی از عادی‌سازی روابط با اعراب چیست؟ ۲. اهداف اصلی اعراب از روند عادی‌سازی با رژیم صهیونیستی چیست؟ ۳. عادی‌سازی روابط اعراب و رژیم صهیونیستی چه تاثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران خواهد گذاشت؟

## پیشینه تحقیق

در طی سالیان اخیر مسئله عادی‌سازی اعراب و رژیم صهیونیستی از حالت غیررسمی و کلیشه‌ای خارج شده است و وارد فاز جدیدی از عملیاتی شدن قرار گرفته است. در همین راستا،

بیش تر آثار و تحلیل های مطروحه در این خصوص صرفا به بیان دیدگاه های شخصی و سلیقه ای اکتفا کرده اند و حق ارائه مستدل و موشکافانه مسائل ناشی از عادی سازی را ادا نکرده، صرفا به صورت گذرا از کنار بیش تر مسائل عبور کرده و چشم بر واقعیات موجود بسته اند. پژوهش پیش رو شکاف های تحقیقاتی شکل گرفته را در حوزه های، چرایی شکل گیری رژیم رژیم اشغالگر فلسطین و حمایت های منطقه ای و بین المللی از این رژیم، اهداف کشورهای عربی، علی الخصوص (حاشیه نشینان خلیج فارس)، اهداف هم پیمانان فرامنطقه ای رژیم اشغالگر فلسطین (هم چون غرب و آمریکا)، هم چنین تلاش ایران برای جلوگیری از عادی سازی روابط در سطح منطقه (بین اعراب و رژیم اشغالگر فلسطین) بر اساس واقعیات مسائل روابط بین الملل تبیین شده است، چند مورد از پژوهش های موردی در این زمینه عبارتست از:

۱. محمدرضا ملکی و فرزاد محمدزاده (۱۳۹۹)، در مقاله ای تحت عنوان «چشم انداز صلح خاورمیانه در سایه عادی سازی روابط رژیم صهیونیستی و جهان عرب» در فصلنامه مطالعات بین المللی، درصدد پاسخ به این سوال هستند که چرا رژیم صهیونیستی و اعراب در مسیر عادی سازی روابط با یکدیگر قرار گرفته اند؟ روش پژوهش کیفی است. فرضیه نگارندگان در نتیجه گیری نهایی براین باور هستند که نگرانی های امنیتی مشترک رژیم صهیونیستی با برخی کشورهای عرب و همین طور پیش برد بهتر منافع ملی را می توان به عنوان نقطه ثقل این چرایی عنوان نمود که موجب اعتلای روابط رژیم صهیونیستی و اعراب را فراهم آورده است (ملکی و ابراهیمی، ۱۳۹۹: ۴۵)
۲. عبدالرضا عالی شاهی و همکاران (۱۳۹۹)، در مقاله ای تحت عنوان «تأثیر ائتلاف راهبردی امارات و رژیم صهیونیستی بر امنیت خلیج فارس» در نشریه آفاق امنیت درصدد پاسخ به این سوال هستند که ائتلاف شکل گرفته میان امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی چه تأثیری بر امنیت منطقه خلیج فارس می گذارد؟ روش پژوهش کیفی است. یافته های این مقاله نشانگر این است که مواردی از جمله، گسترش مرجعیت نظامی جمهوری اسلامی ایران در منطقه به ویژه در پساداعش، نبود وابستگی صرف به آمریکا به ویژه در زمینه های نظامی و امنیتی، مزیت های اقتصادی صهیونیست ها از حضور در امارات (نفت، استفاده از پایگاه های نظامی امارات و فروش تسلیحات نظامی از مهم ترین دلایل شکل گیری ائتلاف موجود می باشد (عالی شاهی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۴۸)

۳. مختار زیبایی، زنیره نصری و فرزاد رستمی (۱۴۰۰)، در مقاله‌ای تحت عنوان «پیامدهای فرآیند عادی‌سازی مناسبات اعراب و رژیم اشغالگر فلسطین بر محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران (۲۰۱۰-۲۰۲۱)»، در فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام درصدد پاسخ به این سوال هستند که عادی‌سازی روابط اعراب و رژیم اشغالگر فلسطین چه پیامدهایی بر محیط امنیتی ایران گذاشته است؟ روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که تلاش رژیم اشغالگر فلسطین برای ایجاد سیستم توازن قوای جدید به نفع خود و به ضرر ایران، شکل دادن به تهدیدهای نوین منطقه‌ای بر علیه ایران، تجدید قوای افراطی و رادیکال در منطقه، از طریق حمایت‌های مالی و نظامی رژیم اشغالگر فلسطین و آمریکا می‌باشد.

۴. جاناتان فولتن و روی یلنیک (۲۰۲۰)، در مقاله‌ای تحت عنوان «پیامدهای معامله صلح رژیم اشغالگر فلسطین و امارات متحده عربی» درصدد پاسخ به این سوال هستند که پیامدهای صلح امارات و رژیم صهیونیستی کدامند؟ روش پژوهش کیفی است. از دیدگاه نگارندگان رژیم صهیونیستی آشکارا مواضع متزلزل سیاسی و ژئوپلیتیک را از مرزهای سرزمین‌های اشغالی دور کرده است. در ادامه با نفوذ هرچه بیش‌تر به خلیج فارس از سه فرصت استثنایی دست‌یابی به آب‌های آزاد جهان، ثروت بی‌شمار اعراب اعم از گاز و نفت و در نهایت پایگاه‌های نظامی آنان علیه جمهوری اسلامی ایران استفاده خواهد کرد. (فولتن و یلنیک، ۲۰۲۰: ۱۵)

## مبانی نظری

### واقع‌گرایی تدافعی

نظریه موازنه تهدید در چارچوب کلی واقع‌گرایی تدافعی توسط استفن والت نظریه‌پرداز مشهور مطرح شده است. توازن در چارچوب نظری والت به ضرورت ترس و نه صرف انباشت قدرت شکل می‌گیرد. آنچه توازن را ضروری می‌نماید، نیات خصمانه و بنا به تعبیری «تلاش برای جایگزینی قدرت برتر» است. در تعریف والت، سعی دولت‌ها افزایش توانمندی نسبی خود در رابطه با دیگر دولت‌هاست و در غیر این صورت دولت‌ها به نقطه‌ای می‌رسند که مجبورند در برابر هر متجاوزی با قدرت فزاینده تسلیم شوند تا از هزینه‌های غیرضروری شکست جلوگیری

نمایند. (دهشیار، ۱۳۹۱: ۲۹۷) والت باور دارد که کشورها بر پایه توازن قوا عمل نمی کنند، بلکه توازن تهدید را ملاک قرار می دهند. (مصلی نژاد، ۱۳۹۰: ۱۴۷) وی خود در مصاحبه ای اعلام نمود که «دولت ها موازنه را نسبت به بزرگ ترین تهدیدات علیه امنیت خود اجرا و در پی متعادل نمودن آن ها هستند». (Yalejournal, 2010/07/20) بر این اساس تهدیدی که والت مطرح می کند، ترکیبی است از قدرت تهاجمی دولت، توانایی های نظامی، نزدیکی جغرافیایی و نیات خصمانه و تجاوزگرایانه احتمالی رقیب. در تعریف وی، آن چیزی در روابط میان دولتی مهم است که شامل برداشت آن ها از یکدیگر است و نه فقط میزان توانایی هر کدام از آنان باشد. (مشیرزاده، ۱۳۹۵: ۱۳۴-۱۳۵) پس بنابر عقیده والت درجه ای که کشوری را تهدید می کند از چهار عامل پیروی می کند:

۱. ارزیابی قدرت کشورها: هرچه قدرت رقیب (متجاوز) بیش تر باشد، بدیهی است که بیش تر خطرناک است. (دهشیار، ۱۳۹۱: ۲۹۹) این قدرت شامل متغیرهای مربوط به توانمندی های مادی کشورها (جمعیت، وسعت، اقتصاد و سایر عوامل ژئوپلیتیکی) بوده و از عوامل تعیین کننده میزان قدرت کشورها به حساب می آیند. (مصلی نژاد، ۱۳۹۰: ۱۵۲)

۲. نزدیکی جغرافیایی: این مورد بر این امر تأکید دارد که هرچه بازیگر رقیب نزدیک تر باشد، خطرناک تر است. (دهشیار، ۱۳۹۱: ۲۹۹) از نظر والت تهدید هر میزان که نزدیک تر باشد کشورها آن را به شکل ملموس تری درک می کنند. (مصلی نژاد، ۱۳۹۰: ۱۵۳) وی بر این باور است که در صورت برابر بودن سایر شرایط، آن کشورهایی که در فاصله جغرافیایی نزدیک تری باشند از کشورهایی که فاصله دورتری دارند خطرناک تر هستند.

۳. قدرت تهاجمی: توانایی یک دولت برای تهدید حاکمیت یا تمامیت سرزمینی دولت دیگر با هزینه ای قابل قبول است. سرانجام کشورهایی که تجاوز پیشه تصور شوند، بیش تر از سایر دولت ها دست به ایجاد توازن می زنند. (walt, ۱۹۸۷: ۱۲) بدین ترتیب سومین شاخص مورد نظر والت در تهدید منطقه ای را می توان توانایی تهاجمی بازیگرانی دانست که به دنبال برهم زدن موازنه هستند. (مصلی نژاد، ۱۳۹۰: ۱۵۴)

۴. نیات (مقاصد) تهاجم: دولت هایی که مقاصد تهاجمی واضحی دارند، نسبت به

کسانی که در وهله اول در پی حفظ شرایط موجود هستند، تمایل بیش تری به تحریک مخالفان (قدرت‌های رقیب) دارند. این مسئله را والت بیان نموده و بدان معناست که هرچه نیت خصم آلود بازیگری بیش تر باشد، خطر و تهدید نیز به دنبال آن سخت تر است. (دهشیار، ۱۳۹۱: ۲۹۹)

بنا بر این میان میزان تهدید و نیت تهاجمی کشورها رابطه مستقیم وجود دارد و هرچه بازیگری نیت تهاجمی بیشتری از خود نشان دهد، تهدید درک شده از وی توسط سایر کشورها به همان اندازه بالا می‌رود. (مصلی نژاد، ۱۳۹۰: ۱۵۵) بنابراین در رئالیسم تدافعی، انگیزه اصلی دولت‌ها برای به حداقل رساندن قابلیت‌های سرمایه‌گذاری در هزینه‌های نظامی (A)، اتحاد (B)، درگیری نظامی (Y)، تمرکز بر هزینه طبق فرمول زیر است:

$$C=xa+yb+zy$$

در بالا، پارامترهای جهت Z و Y و X جهت تبدیل سرمایه به قابلیت‌ها از سوی رئالیست‌های تدافعی استفاده می‌شود. برخلاف مدل واقع‌گرایی تهاجمی که حداکثر رساندن قدرت شرط است، در این مدل توجه قدرت‌های بزرگ به حداقل رساندن مقدار قابلیت سرمایه‌گذاری در قدرت می‌باشد. (Rudloff, 2013: 55)

### تاملی بر سیر تکاملی روند عادی‌سازی روابط اعراب و رژیم صهیونیستی

پیش از جنگ جهانی اول، حدود ۴۰۰ سال سرزمین فلسطین جزئی از امپراطوری عثمانی به‌شمار می‌رفت. در پایان جنگ جهانی اول جامعه یهودی فلسطین، قدیمی‌ها و مهاجران به‌میزان قابل توجهی رسیده بود و در ۱۹۱۷ دولت بریتانیا با صدور اعلامیه بالفور، تأسیس موطن ملی برای ساخت یهود را مورد حمایت قرارداد. (segev, 49 - 48: 2000) در ۱۴ مه ۱۹۴۸ درست یک روز قبل از اتمام قیمومت بریتانیا بر فلسطین، دیوید بن گوریون تأسیس دولت یهود را اعلام کرد. با تأسیس رژیم صهیونیستی و مخالفت‌ها و درگیری‌هایی که در سال‌های (۱۹۶۷، ۱۹۵۶، ۱۹۷۳ و ۱۹۴۹) که با ناکامی از سوی کشورهای عربی مواجه شد، (smith, 2004: 198) پس از آن اعراب سیاست تدافعی و انزواطلبی را در پیش گرفتند. با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ و قطع روابط جمهوری اسلامی با رژیم صهیونیستی (به‌واسطه انعقاد پیمان کمپ دیوید)، یکی از پایه‌های مهم و دکنترین پیرامونی از بین رفت. رژیم صهیونیستی از همان ابتدا درصدد جایگزین برای رژیم شاه

برآمد و تلاش کرد دامنه همکاری و روابط خود با کشورهای دیگر در منطقه و نیز کشورهایی که با وقوع انقلاب اسلامی ایران احساس خطر می کردند و یا به نوعی با جمهوری اسلامی ایران مخالف بودند را گسترش دهد. (عباسی، قیاسی و باباجانی پور، ۱۳۹۲: ۱۹۱) بعد از پیمان کمپ دیوید و بازپس گیری صحرای سینا از رژیم صهیونیستی و به دنبال آن شکل گیری پیمان وادی عربیه (بین رژیم اشغالگر فلسطین و اردن) در سال ۱۹۹۴ و به دنبال آن در گفتگوی اول دسامبر ۲۰۱۷ جرد کوشنر مشاور ارشد ترامپ، برخی مفروضات اصلی طرح عادی سازی روابط (بین اعراب و رژیم در رژیم اشغالگر فلسطین) عنوان گردید و پیمان ابراهیم را به عنوان تسریع کننده روابط بین کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی (به ویژه امارات) قلمداد کردند.

رژیم رژیم اشغالگر فلسطین این ابتکار را به عنوان کمکی برای ایجاد ثبات در منطقه و تضعیف جایگاه ایران در منطقه توصیف کرد. (the saban, forum: 2017 10-12) در ۶ دسامبر ۲۰۱۷، دونالد ترامپ اعلام کرد که ایالات متحده بیت المفلسطین را به عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی به رسمیت می شناسد و از وزارت خارجه خواست تا مقدمات انتقال سفارت آمریکا از تل آویو به بیت المفلسطین را فراهم سازد. (the white house, 2017: 1) اعلام عادی سازی روابط امارات و رژیم صهیونیستی در ۱۳ اگوست سال ۲۰۲۰ بخشی از راهبرد بلندمدت منطقه ای امارات محسوب می گردد. امارات در حالی روابط خود با رژیم صهیونیستی را علنی ساخت که مواضع این کشور در یمن و لیبی بعد از پسبیداری اسلامی (سال ۲۰۱۰) در منطقه به شدت تضعیف شده بود و از سوی دیگر ترامپ با طرح سیاست خروج از منطقه، تلاش می کرد تا امارات اولین کشور خط شکن در عادی سازی روابط در پیمان ابراهیم با رژیم اشغالگر فلسطین باشد. امارات متحده عربی به اولین کشور عربی در عادی سازی روابط با رژیم اشغالگر فلسطین شناخته شد. (Bar'el, 2020)

### اهداف رژیم صهیونیستی از عادی سازی روابط با کشورهای عربی

کشورها برای عرض اندام در روابط بین الملل نیاز مبرم به مراودات بین المللی و منطقه ای دارند. رژیم صهیونیستی از این قاعده مستثناء نیست و به دنبال تغییر رویکرد در افکار عمومی و القاء مشروع سازی و روابط با سایر کشورهای عربی می باشد. اهدافی را که رژیم صهیونیستی به دنبال عادی سازی به دست خواهد آورد، به شرح ذیل تشریح خواهیم کرد.

## ۱) افزایش عمق استراتژیک

افزایش عمق استراتژیکی رژیم صهیونیستی در نظریات تمامی سیاستمداران این رژیم به خوبی قابل درک و روشن است. آن‌ها درصدد هستند تا از این رهگذر بتوانند در درای مدیریتانه و درای سرخ عمق استراتژیکی را برای این رژیم به دست بیاورند تا از این رهگذر بتوانند عملیات رصد، کنترل، دیده‌بانی و استراق سمع را در اطراف کشورهای همسایه ایران جهت مهار اقدامات بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران انجام دهند. این اندیشه بنیان بازدارندگی رژیم صهیونیستی را طرح‌ریزی می‌کرد. «تلافی و وسیع» در پاسخ به هرگونه تهدید امنیتی، بازدارندگی را برای رژیم صهیونیستی در دو سطح عام و خاص ایجاد می‌کند. (پرتو و کریمی، ۱۳۹۱، ۴-۵) مسئله جغرافیا و نداشتن عمق راهبردی یکی از آسیب‌پذیری‌های اصلی رژیم صهیونیستی است، به گونه‌ای که عرض سرزمین‌های تحت اشغال رژیم در باریک‌ترین نقطه حدود ۱۵ کیلومتر است که این دسترسی موشک‌های مقاومت را سهل‌تر می‌نماید. لذا رهبران و سیاستگذاران رژیم صهیونیستی از راهبردهای امنیتی و نظامی هم‌چون انتقال جنگ به خاک دشمن برای ترمیم موقعیت خود بهره‌برده‌اند که افزایش توان نظامی محور مقاومت این فرصت را از صهیونیست‌ها سلب می‌کند. (زهرالدین، ۱۳۸۰، ۲۸۴-۲۸۶)

## ۲) مهار و کنترل ایران

رژیم اشغالگر فلسطین، همواره دولت جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان کانون بنیادگرایی اسلامی در منطقه و جهان معرفی می‌کند. (جعفری ولدانی، ۱۳۹۴: ۱۳۲) برای تحقق این امر، رژیم اشغالگر فلسطین در ابتدا با ماهیت هرچند سیاسی، با برخی از کشورهای عربی، مصر، اردن و برخی گروه‌های فلسطینی، پیمان صلح امضا کرد و در ادامه به‌صورت پنهانی با اکثریت کشورهای عربی وارد فاز تنش‌زدایی شد. اما وجود حوادثی در دهه‌های ابتدایی قرن جدید از جمله تشکیل هلال شیعی در منطقه توسط ایران، توافق ایران با قدرت‌های جهانی برای فعالیت‌های هسته‌ای و غیره، این مذاکرات را به‌سمت علنی و همه‌جانبه شدن سوق داد؛ به طوری که از آن، با کمک کشورهای عربی همسایه ایران، به‌عنوان انقلاب در روابط رژیم اشغالگر فلسطین با اعراب یاد می‌شود. رابطه‌ای که به رژیم اشغالگر فلسطین کمک می‌کند برای مهار کاملش اقدام کند. در رویکرد مهارجدید، حادثه ۱۱ سپتامبر زمینه مناسبی را برای



اجرای آن فراهم کرد. آمریکا برای مهار ایران، در سیستم‌های منطقه‌ای هم‌جوار ایران از جمله آسیای مرکزی، جنوب آسیا و حتی کشورهای همسایه ایران، مانند عراق و افغانستان حضور یافته است. در این سیاست، رژیم اشغالگر فلسطین جایگاه مهمی دارد و به‌عنوان یک قدرت هژمون منطقه‌ای، سازگار با هژمون بین‌المللی، به‌دنبال خنثی کردن تهدیدات ایران در مقام یک قدرت ضد هژمون است. (پورحسن، ۱۳۸۷، ۱۵)

### ۳) تسخیر بازارهای اقتصادی کشورهای عربی

وابستگی کشورهای عربی به رژیم صهیونیستی در واقع مسیر عادی‌سازی را با روند آسان‌تری مواجه می‌کند و این رژیم می‌تواند با در دست گرفتن بازارهای کشورهای عادی‌ساز مسیر توسعه اقتصادی آن‌ها را تغییر دهد. به‌نظر می‌رسد که با ادامه تلاش رژیم صهیونیستی برای ارتباط برقرار کردن با کشورهای عربی، شرایط را برای گسترش ایران هراسی فراهم می‌کند. رژیم صهیونیستی که از سال ۱۹۴۸ میلادی درگیر نبرد و مناصمه با کشورهای عربی بود، قصد دارد تا برای نیل به اهداف خود در راستای ایران هراسی به شرایط روابط تاریخی قبل با اعراب پایان دهد. به نظر می‌رسد این موضوع یک چرخش اساسی در سیاست خارجی رژیم صهیونیستی در یک دهه اخیر می‌باشد. (1: Yalon Fridman, 2018)

### ۴) فائق شدن بر مشکلات داخلی

رژیم اشغالگر فلسطین از بدو تأسیس تا به امروز، با مشکلات و بحران‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی مواجه بوده است. وجود این بحران‌ها در ادوار گوناگون، هرکدام به‌نوعی تأثیر منفی بر روی جامعه رژیم اشغالگر فلسطین گذاشته‌اند. بنابراین تحت تأثیر این بحران‌ها، شاهد نارضایتی اقتصادی و اجتماعی اقشار مختلف جامعه رژیم اشغالگر فلسطین در سال‌های اخیر بوده‌ایم. سیاست‌های نظامی - امنیتی مانند افزایش بودجه دفاعی، اختلافات در عرصه سیاسی در سال‌های اخیر، همواره گریبان‌گیر رژیم صهیونیستی بوده است؛ به‌شکلی که حجم تهدیدات داخلی بیش از تهدیدات خارجی عنوان می‌شود. در چنین شرایطی، سران این رژیم برای فرار از بحران سعی کرده‌اند با منحرف کردن افکار عمومی به سمت تهدیدات خارجی، بویژه تهدیدات ایران و هدایت کردن افکار عمومی به سمت مسائل خارجی بویژه

تهدیدات ایران و بهبود روابط با کشورهای عربی، این احساس را تلقین کنند که رژیم اشغالگر فلسطین دیگر دشمن درجه یک اعراب نیست و روابط خوبی با همسایگان مجاور دارد، این موضوع می‌تواند علاوه بر سرپوشی بر ناکامی‌های داخلی و با بهره‌گیری از منابع مالی اعراب، بخشی از هزینه‌های نظامی خود را کاهش دهد. (اختیاری، رشیدی، سلطانیان، ۱۳۹۹، ۱۱۵)

### اهداف کشورهای عربی از عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی

کشورهای عربی همانند رژیم صهیونیستی نیز برخی اهداف راهبردی برای خود مطرح ساختند تا در سپهر عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی عینیت ببخشند. اما باید به این نکته ظریف توجه داشت که خط سیر و اهداف یکسانی را نمی‌توان برای تمامی کشورهای عربی مدنظر داشت، این درحالی است که روابط رژیم صهیونیستی با کشورهای حوزه خلیج فارس از حساسیت بسیاری برخوردار است. در ذیل برخی از اهداف و انگیزه‌های کشورهای عربی را تشریح خواهیم کرد.

#### ۱) جلوگیری از هژمون شدن ایران در منطقه

وجود حوادث دهه ابتدایی قرن جدید؛ مانند تشکیل هلال شیعی مورد ادعای اعراب، باردیگر اعراب را نسبت به ایران بدبین کرد و این ذهنیت نسبت به ایران در میان آنان پدیدار گشت که ایران به دنبال کسب هژمونی منطقه‌ای و تسلط بر خاورمیانه است. با آغاز بهار عربی در سال ۲۰۱۰ و ضعف و ناتوانی اعراب در مدیریت بحران و ایجاد تحولات جدید در خاورمیانه، بسیاری از تحلیل‌گران یهودی، رژیم صهیونیستی را پیروز بهار عربی می‌دانستند؛ چرا که به گفته خود مقامات این رژیم، کنار گذاشتن اخوان المسلمین در مصر از قدرت به عنوان هم‌پیمان حماس در غزه، بحران در سوریه و تقویت مواضع راهبردی این رژیم در منطقه، هم‌چنین توافق آمریکا با ایران در زمینه هسته‌ای، خشم عربستان سعودی از این کشور و بیرون ماندن رژیم صهیونیستی از این جنگ داخلی، این رژیم در پی این اطمینان است که قواعد تغییردهنده بازی به دست بازیگرانی که این رژیم را تهدید می‌کنند، نیفتاده است. بدین ترتیب، اعراب و در رأس آن‌ها عربستان به جای وحدت و همبستگی منطقه‌ای، پس از تحولات و توافق هسته‌ای غرب با ایران، به ائتلاف با بزرگ‌ترین دشمن جهان عرب پیوسته که هدف آن مقابله با قدرت و نفوذ ایران در منطقه است. (روحی دهنه، ۱۳۹۶: ۳۰۶-۱۰۵)

## ۲) ناکامی های متوالی اعراب در برابر رژیم اشغالگر فلسطین و جلب رضایت آمریکا به عنوان مهم ترین حامی رژیم اشغالگر فلسطین

همان طور که گفته شد، اعراب در ابتدا در جنگ هایی که با رژیم اشغالگر فلسطین داشتند، با ناکامی و نرسیدن به اهداف مطلوب مواجه شدند که باعث نوعی سرخوردگی و یأس نظامی در میان اعراب شد (لوتیس، ۱۳۹۶: ۳۷۹) علی رغم این حدس و گمان که با پایان جنگ سرد، اهمیت رژیم اشغالگر فلسطین برای ایالات متحده از دست خواهد رفت، اما همکاری راهبردی نزدیک تر بین آن ها بیش تر تقویت شد و در نتیجه جایگاه نسبی کشورهای عربی در تعاملات منطقه ای ضعیف تر شد. این بدان معناست که کشورهای عربی، بیش از پیش در معرض باج خواهی و اجبار به کار کردن، از موضع ضعف با رژیم اشغالگر فلسطین، ترکیه و ایران قرار خواهند گرفت. (لیک و مورگان، ۱۳۹۵: ۳۸۳) وابستگی دفاعی - امنیتی به همراه ضعف مفرط نظام های حاکم در برخی کشورهای عربی، موجب شده این نظام ها در هر دو حوزه سخت افزاری و نرم افزاری با بحران مواجه باشند. به دلیل وابستگی به قدرت های خارجی به ویژه غرب، برای بهبود و ارتقای سطح مدیریت داخلی و حمایت بالای مادی و معنوی غرب از رژیم اشغالگر فلسطین، برای توازن میان این دو مسئله آن چه در دستور کار بسیاری از رژیم های محافظه کار منطقه قرار خواهد گرفت، رژیم اشغالگر فلسطین به مثابه یک بازیگر معارض در سطح منافع حاشیه ای است؛ به گونه ای که می توان نسبت به مذاکره و سازش در خصوص آینده و ساختار منطقه با آن به رایزنی پرداخت. (نبوی، ۱۳۸۹: ۱۶۴-۱۶۳) در همین راستا، طرح صلح اعراب هر چند از جانب رژیم صهیونیستی رد شد، اما اعراب به صورت محدود و پنهانی برای بهبود وجهه خود نزد کشورهای غربی به ویژه آمریکا به سمت تنش زدایی حرکت کردند.

## ۳) هم افزایی توانمندی ها در مقابله با جمهوری اسلامی ایران

پیش از انقلاب اسلامی، کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس نگاه خوبی نسبت به اهداف منطقه ای ایران نداشتند و بعد از انقلاب، بیم و هراس با توجه به سیاست صدور انقلاب رو به فزونی نهاد. ایده هلال شیعی هم در خلال گفت وگوهای ایران و تروئیکای اروپایی بر سر برنامه هسته ای و تشدید جنگ داخلی عراق در اواخر سال ۲۰۰۴، نخستین بار از طرف ملک عبدالله دوم پادشاه اردن مطرح شد. وی معتقد بود این هلال توازن مذهبی میان شیعه و سنی را برهم

می‌زند و بر منافع آمریکا نیز تاثیر منفی خواهد داشت. (Wright & Baker, 2004) کشور ایران به‌عنوان یکی از عناصر مهم در معادلات خاورمیانه و نیز به‌دلیل موقعیت ژئوپولیتیک و اتخاذ سیاست تجدیدنظرطلبانه، کشور ایران از مداخلات و رویارویی با آمریکا در امان نبوده است. حمایت از براندازی دولت مردمی مصدق، تلاش در براندازی نظام جمهوری اسلامی، تشویق عراق در حمله به ایران و حمایت از آن در هشت سال دفاع مقدس، انهدام هواپیمای مسافربری، حمله به سکوهاي نفتي و کشتی‌ها، همکاری در براندازی نظام، تحریم‌های اقتصادی، اتهام تروریسم، جلوگیری از دست‌یابی ایران به دانش هسته‌ای و تهدید او با مبنی بر استفاده از بمب اتمی، پروژه ایرانهراسی و انشقاق میان دولت‌های اسلامی خاورمیانه تنها بخشی از اقداماتی است که با هماهنگی متحد استراتژیک آن، یعنی رژیم صهیونیستی به اجرا گذاشته شده است. (درودیان، ۱۳۷۶: ۵۰)

بدیهی است انگیزه اصلی طرح هلال شیبی که از سوی آمریکا، بریتانیا، رژیم صهیونیستی، مصر و عربستان مورد تأیید قرار گرفت، مقابله با قدرت‌یابی ایران با محوریت برتری در جهان تشیع بود و هدف از معرفی آن، یک هلال ژئوپلتیک به رهبری جمهوری اسلامی است که شروع آن از ایران، عراق و سوریه را در برمی‌گیرد و به کمک حزب‌الله و حماس در فلسطین پایان می‌یابد. (مجتهدزاده، ۱۳۸۶: ۷۱) اگرچه به‌سختی می‌توان رابطه وحدت‌آفرینی میان کشورهای عربی یافت، اما موضوع ایران یک عامل هم‌گرایی در میان آن‌هاست. از منظر نخبگان عرب، هسته‌ای و نظامی شدن ایران، سناریوی وحشتناک برای اعراب است؛ وحشتناک‌تر از آن برخورد نظامی آمریکا با ایران است. (عبدالله خانی وکاردان، ۱۳۹۰: ۷۵-۷۴) با روی کار آمدن دولت یازدهم در ایران و توافق این کشور پس از یک دهه با قدرت‌های جهانی در اواخر ۲۰۱۳ بر سر برنامه هسته‌ای، حساسیت اعراب را بیش از پیش برانگیخت. (WREMA, Jan./Feb. 2014: 2) تا جایی که دو کشور عربستان و رژیم صهیونیستی که هیچ‌گونه رابطه دیپلماتیکی با یکدیگر ندارند، حول مخالفت با ایران و قدرت‌یابی آن در منطقه به‌نوعی پیمان نانوشته رسیده‌اند. اگرچه قضیه فلسطین تاکنون به یک معضل لاینحل باقی مانده بود، اما تردیدی در هم‌سویی اعراب و رژیم صهیونیستی علیه بهبود روابط ایران و آمریکا وجود ندارد. (فرازمند، ۱۳۸۸: ۴۲) عنوان شد این نگرانی برخی حاکمان عربی را علی‌رغم کم‌ترین اشتراک سیاسی، به‌طرز بی‌سابقه‌ای به رژیم صهیونیستی نزدیک کرده است. مقام‌های سعودی علاوه بر این که خواستار توافق هسته‌ای هستند- شبیه آن‌چه در اختیار ایران

است- معتقدند: «پس از توافق هسته‌ای، یک جهش در قدرت ایران ایجاد می‌شود و ما می‌خواهیم مطمئن شویم که عقب نمی‌مانیم». (amanpour, 14may:2015)

۴) افزایش تعاملات اقتصادی و استفاده از بازار فناوری نوین رژیم اشغالگر فلسطین، به‌رغم خودداری رژیم اشغالگر فلسطین از اجرای اصلاحات مورد نظر ابتکار صلح اعراب، عادی‌سازی روابط در زمینه‌های اقتصادی، امنیتی، ورزشی و غیره جریان داشته و این امر بخصوص در زمینه اقتصادی و تجارت در سال‌های اخیر، رشد چشمگیری داشته است. به گفته مقامات رژیم اشغالگر فلسطینی و بر اساس داده‌های مرکز آمار این رژیم، صادرات و خدمات رژیم اشغالگر فلسطین به کشورهای MENA (کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا) در سال حدود هفت میلیارد دلار برآورد می‌شود که از این مقدار، بیش از یک میلیارد دلار مربوط به کشورهای عربی خلیج فارس است. هم‌چنین می‌توان به واردات برق از کشورهای عربی از سوی رژیم اشغالگر فلسطین و هم‌چنین صادرات گاز به این کشورها، از جمله مصر و همکاری با این کشور در ایجاد مجمع کاری شرق مدیترانه از سوی رژیم اشغالگر فلسطین اشاره کرد. به‌عنوان نمونه، کشورهای عربی مانند عربستان در سال ۲۰۱۲ و در پی حمله و یروس شامون به آرامکو که تولید نفت عربستان را مختل و متوقف کرد، از گروهی از شرکت‌های امنیت بین‌المللی سایبری، از جمله یک شرکت رژیم اشغالگر فلسطینی استفاده کردند. (ACRPC, 5-6: 2017). مرادوات اقتصادی، با بازار متنوع رژیم اشغالگر فلسطین نیز عاملی در جهت کمک به اقتصاد تک‌محصولی و ضعیف شده آنان به‌ویژه پس از بحران ناشی از اپیدمی کرونا و کاهش شدید درآمدهای گردشگری در این کشورها و هم‌چنین لغو مراسم حج در عربستان سعودی است. هم‌چنین کشورهای عربی پس از بحران کرونا، همکاری‌های پزشکی با رژیم اشغالگر فلسطین داشته‌اند که از جمله آن می‌توان به همکاری امارات و رژیم اشغالگر فلسطین، برای مهار این بحران اشاره کرد. (خبرگزاری ایرنا، ۱۳۹۹)

### پیامدهای عادی‌سازی روابط و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

حضور یک کنشگر خارج از منطقه که هدف آن صرفاً وابسته نمودن کشورهای عربی منطقه است، می‌تواند هزینه‌های سرسام‌آور و هنگفتی را برای امنیت ملی کشور ایران به همراه داشته

باشد. توقف در مرزها، مواضع مهاجمانی نظیر آمریکا، رژیم صهیونیستی را قدرتمندتر می‌کند. مقامات ایران با وقوف نسبت به این مسئله در تلاش بوده‌اند تا اهرم‌های بازدارنده دیگری در مجاور مرزها و هم‌چنین حیات خلوت مهاجمان احتمالی ایجاد کنند. دولت جدید ایالات متحده نیز همانند دولت‌های پیشین درصدد است تمامیت ارضی و امنیت رژیم صهیونیستی را تضمین کند. ایالات متحده در راستای این استراتژی به‌خوبی دریافته است که حمایت بی‌چون و چرا از رژیم صهیونیستی مایه دردسر برای خود آمریکا خواهد بود، چرا که هرگونه حمایت و پشتیبانی این کشور از تجاوزگری سرزمین‌های اشغالی موجب خشم ملت‌های مسلمان و کشورهای عرب زبان منطقه خواهد شد. در نتیجه موجب اختلال در روابط با کشورهای نفت‌خیز حاشیه خلیج فارس و برچیدن پایگاه‌های نظامی آمریکا خواهد شد که برخلاف منافع ملی ایالات متحده است. این دوگانگی حمایت یا عدم حمایت از عملکرد رژیم صهیونیستی سال هاست دولت مردان ایالات متحده را به فکر وادار نموده است. (Katzman, 2016: 44)

ایالات متحده در این برهه زمانی برای حفظ امنیت رژیم صهیونیستی و تامین منافع خود، راهی جز حضور فعال در خاورمیانه ندارد و برای حل بحران تضاد منافع در منطقه خاورمیانه چاره‌ای جز تلاش برای بهبود روابط اعراب و رژیم صهیونیستی ندارد تا ایالات متحده هم از امنیت رژیم صهیونیستی حمایت کرده و نیز روابط راهبردی خود را با کشورهای عرب زبان منطقه حفظ نماید.

(اسدی، ۱۳۸۱: ۴۲۸) مقامات رژیم صهیونیستی برای پیشبرد اهداف خود مجبور به بزرگنمایی روزافزون خطر ایران هستند. این بزرگنمایی و اغراق بیش از اندازه منجر به اعتراض شدید برخی مقامات رژیم صهیونیستی نیز شده است. به هر حال چیزی بسیار نامتناسب و غیر معمول در درک این رژیم از تهدید ایران وجود دارد. (Peterson, 2010: 7) تأثیرات عادی‌سازی روابط اعراب و رژیم صهیونیستی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را به شرح ذیل تشریح خواهیم کرد.

### ۱) توسعه و گسترش حضور و نفوذ آمریکا در منطقه

به‌واسطه درهم تنیدگی مسائل در منطقه راهبردی خاورمیانه، امنیت در این منطقه بسیار شکننده است. بحران‌هایی که در گوشه‌ای از منطقه ظهور کرده، کل منطقه را فرا می‌گیرد. از بدو ورود آمریکا به خاورمیانه تاکنون، موازنه قوا، امنیت منطقه‌ای در قالب الگوی رئالیستی موازنه قوا قابل بررسی است (شجاع، ۱۳۸۸: ۲۱۰) عادی‌سازی روابط اعراب و رژیم اشغالگر فلسطین

تأحدودی بر معادلات منطقه تأثیر گذاشته و حضور و نفوذ آمریکا را در منطقه افزایش داده است، ایالات متحده آمریکا اکنون با رویکردی جدید و یک‌جانبه‌گرایی، سعی دارد با فراخواندن اعراب به‌سوی اتحاد با رژیم صهیونیستی، برای مقابله با ایران و متحدان منطقه‌ای آن، خلأ قدرت خود را در منطقه جبران کند. اکنون آمریکا در منطقه خاورمیانه همواره با سیاست خارجی متناقض، نقش مهمی در مثلث منازعه ایران و رژیم صهیونیستی دارد. آمریکا با یک رویکرد صلح قدرت مآبانه و به‌عنوان یک بازیگر امنیتی‌ساز، درصدد بازخوانی حضور ایالات متحده و منافع این کشور در منطقه پراهمیت خاورمیانه است. ایالات متحده در این وهله زمانی برای حفظ امنیت رژیم صهیونیستی و تأمین منافع خود، راهی جز حضور فعال در خاورمیانه ندارد، در نتیجه حضور آمریکا در منطقه، مشهودتر و اثرگذارتر از همیشه می‌شود و ممکن است معادلات امنیت در خاورمیانه را تغییر و یا به چالش بکشد. آمریکا با یک صف‌بندی امنیتی جدید، تلاش گسترده‌ای در جهت اعمال فشار به ایران و درکنار آن، دامن زدن به موج ایران‌هراسی به‌عمل آورده است و به اعراب تلقین می‌کند که مسأله ایران، مهم‌ترین مسأله برای آنهاست و فلسطین باید از اولویت خارج شود. (رفیع، ۱۳۹۹: ۲)

## ۲) رشد گروه‌های افراطی و رادیکال در منطقه

عواملی که در سال‌های اخیر، زمینه را برای رشد ضربات زیاد امنیتی در کشورهایی مانند عراق، سوریه و حتی ایران داشته است، گروه‌های افراطی مانند القاعده، داعش و غیره است. گروه‌های رادیکال و افراطی که ازسوی بسیاری از کشورهای عربی با حمایت مالی و از طرف دیگر کمک نظامی و لجستیکی رژیم صهیونیستی و حامیان فرامنطقه‌ای آن مانند آمریکا و به بهانه مقابله با هژمونی ایران در منطقه و گروه‌های مقاومت حامی آن ایجاد شده‌اند. این گروه‌ها با ایجاد اولین خلا امنیتی، خسارات فراوانی را بر این کشورها و ایران تحمیل کردند. اکنون با چندقطبی شدن منطقه و رشد فزاینده اختلافات ناشی از پذیرش یا عدم پذیرش عادی‌سازی رابطه با این رژیم، مسلماً این گروه‌ها بعد از ضربات سختی که در سال‌های اخیر بر آنان از سوی جریان مقاومت و برخی دیگر از کشورها وارد شده، فرصت مناسبی برای تجدید قوا و رشد دوباره خواهند داشت. از طرفی بسیاری از گروه‌های بنیادگرای اسلامی که در پی ایجاد فرصتی برای ضربه زدن و نابودی این رژیم بوده‌اند، با عادی شدن رابطه بسیاری از کشورهای عربی با این رژیم، فعالیت خود را

دوچندان خواهند کرد. بنابراین ما شاهد دورشد متضاد و متقابل و حضور بیش تر آنها در منطقه خواهیم بود و باعث خواهد شد منطقه خاورمیانه که در سالیان اخیر پیوسته ناآرام و پر آشوب بوده است، در سال های آتی نیز چشم انداز امنیتی مناسبی را قابل تصور نباشد و این امر به خصوص برای ایران که در کانون درگیری های خاورمیانه است، بار امنیتی گسترده ای چه در سطح ملی و چه منطقه ای را به همراه خواهد داشت.

### ۳) تضعیف هم پیمانان منطقه ای جمهوری اسلامی ایران

راهکارهای رژیم صهیونیستی را که در دیدگاه های سیاست مداران و تحلیل گران آنها در سطوح مختلف و محافل فکری و دانشگاهی مطرح می شوند، می توان این گونه برشمرد: در مرحله اول تلاش تبلیغاتی وسیع در سطح بین المللی علیه برنامه هسته ای ایران در چهارچوب پروژه ایران هراسی درپیش گرفته اند. (Marquand, 2009) رژیم صهیونیستی با حمایت کشورهای غربی، درصدد القای این است که هسته ای شدن ایران به صورت یک بازی دو مینو عمل خواهد کرد و کشورهای دیگر منطقه از جمله عربستان سعودی، ترکیه و... را به سوی هسته ای شدن و رقابت شدید تسلیحاتی هدایت می کند. رژیم صهیونیستی در این راستا به آمریکایی ها توصیه می کند که کنترل و مدیریت چندین کشور هسته ای شده در منطقه حساس خاورمیانه بسیار سخت تر و پرهزینه تر از کنترل و مدیریت یک کشور است. (Albright, 2010)

### ۳) عدم شکل گیری رژیم و ترتیبات امنیتی پایدار در خاورمیانه

منطقه خاورمیانه در سال های اخیر در معرض تغییر و تحولات بنیادین بوده است؛ به گونه ای که این تحولات، موجب تغییر نظام امنیتی و توازن قوا، ایجاد الگوی تخصصی و رقابت در خاورمیانه شده است. در همین راستا، ایجاد یک رژیم امنیتی مبتنی بر همکاری همه جانبه کشورهای منطقه می تواند این وضعیت را تغییر داده و در نهایت به ایجاد صلح در منطقه منجر شود؛ هر چند که در شرایط کنونی، این همکاری بعید به نظر می رسد. (اسدی، ۱۳۹۹: ۳-۱)

ایران همواره از تشکیل یک رژیم امنیتی پایدار در چارچوب مشخص و در راستای منافع دولت های منطقه حمایت کرده است. برای تحقق این امر، کشور ایران با ارائه طرح های مختلف، سعی در جلب اعتماد کشورهای منطقه را به خود داشته است و از سوی دیگر کمک به حل



منازعات در منطقه کرده است که می توان به جدیدترین مورد آن؛ یعنی طرح صلح هر مز اشاره کرد که در برگیرنده امنیتی پایدار و جمعی برای تمام کشورهای منطقه و ایجاد زمینه های همکاری و کاهش منازعات مذهبی و فرقه ای می باشد، اکنون با حضور مستقیم رژیم اشغالگر فلسطین در منطقه، در ترتیبات امنیت منطقه و ایجاد یک شکاف عمیق تر در روابط این کشورها با ایران، تحقق رؤیای دیرینه ایران را برای ایجاد رژیم و ترتیبات امنیتی پایدار جهت مقابله با دشمنان خارجی و منطقه ای جهان اسلام با اخلاص مواجه کرده است. تلاش این رژیم با همراهی آمریکا در این راستا ریشه در یک منطق نظری پراهمیت در سیاست بین الملل دارد و آن جلوگیری از ظهور هژمون های منطقه ای است.

دستیابی دولت ها به توانایی های نظامی خاص و یا به فناوری های پیشرفته به ویژه فناوری هسته ای که دارای کاربرد دوگانه است، حساسیت های ویژه ای در زمینه قدرت یابی آن ها به وجود می آورد، آن ها را تهدیدزاتر کرده و خطرهای واقعی یا تصوری را متوجه انسجام سرزمینی یا ثبات سیاسی سایر کشورها می سازد. (بیلیس و اسمیت، ۱۳۸۳: ۹۶۴) اما برخی رفتارها و نیز گاهی ادبیات سیاست خارجی ایران نیز در این راه بی تأثیر نیست. دقت در تاریخ سیاست خارجی ایران نشان می دهد که ایرانیان در تاریخ طولانی خود عمدتاً ملتی صلح طلب بوده اند. (لطفیان، ۱۳۹۰: ۱۸۷) از مهم ترین دلایل این رژیم برای دامن زدن به سیاست ایران هراسی در منطقه، برای برتری جویی بر رقیبان منطقه ای از طریق کسب انحصار هسته ای و افزایش قدرت نسبی است؛ اما توانمندی هسته ای ایران جدا از آن که می تواند این کشور را وارد باشگاه انحصاری هسته ای سازد، به طور بالقوه می تواند به برتری هسته ای انحصاری رژیم صهیونیستی در منطقه نیز خاتمه دهد. (Yaniv, 1987)

#### ۴) برهم خوردن ساختار توازن قدرت در منطقه و شکل گیری فرآیند موازنه تهدید نوین منطقه ای

باری یوزان معتقد است عنصر اصلی که باید به روابط قدرت افزوده شود، الگوی دوستی - دشمنی بین دولت ها است. الگوهای دوستی - دشمنی می توانند با تغییر و تحول خود، توازن قوا در منطقه را تغییر دهند؛ مثل الگوهای دوستی - دشمنی بین اعراب، رژیم صهیونیستی و ایران. تا زمانی که هریک از این بازیگران، درصدد کسب برتری در منطقه باشند و نگرش ها و

راهبردهای امنیتی خود از تهدید را در مورد یکدیگر اصلاح نکنند، توسعه مناسبات اعراب با این رژیم می‌تواند سبب شکل‌گیری بلوک جدیدی در منطقه خاورمیانه متشکل از عربستان، رژیم صهیونیستی، مصر، امارات، بحرین و اردن شود. شکل‌گیری چنین بلوکی می‌تواند چالش‌های سیاسی، امنیتی و تهدید نوین منطقه‌ای را برای ایران ایجاد کند. از جمله این چالش‌ها می‌تواند بین‌المللی کردن مسائل مربوط به ایران و فضا سازی منفی علیه ایران، نظیر آنچه در باره مداخله ایران در جنگ یمن گفته می‌شود، باشد. به نظر می‌رسد دیگر کشورها مثل عمان، کویت، قطر و عربستان با فاصله به عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی مبادرت خواهند کرد و سپس حرکت آن‌ها در کشورهایی مانند مغرب و سودان پی‌گرفته خواهد شد. (زیدآبادی، ۱۳۹۹: ۳-۱)

عادی‌سازی روابط، تحولات جدیدی را هم از لحاظ سیاسی و هم امنیتی در منطقه ایجاد می‌کند. نزدیک شدن به مرزهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران و احتمال حمله نظامی به متحدان ایران به خصوص حزب الله لبنان و شکل‌گیری دومینوی عادی‌سازی روابط، دو پیامد منفی عادی‌سازی روابط اعراب با رژیم صهیونیستی محسوب می‌شود. (عباسی خوشکار، ۱۳۹۹: ۶)

با توجه به این‌که ایران هدف اصلی این عادی‌سازی روابط است و آمریکا در رأس رهبری این عادی‌سازی است و از طرف دیگر، این رژیم با افزایش مشروعیت خود، خواهان نزدیک شدن به مرزهای ایران و منزوی ساختن آن است تا با استفاده از این کشورها، به امنیت ملی ایران ضربه بزند. این مسأله به خودی خود می‌تواند حساسیت ایران را برانگیزد و سبب تشدید هر چه بیش‌تر منازعات در منطقه و الگو و راهبرد رقابتی با رژیم صهیونیستی و آمریکا شود. در کنار دولت‌ها، گروه‌ها و جنبش‌های اصول‌گرای اسلامی نیز احتمالاً به سیاست همراهی روی خواهند آورد و با حمایت نهادها و سازمان‌های قدرتمند منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از این بن‌بست، چاره‌ای جز تحمل ناامنی‌های موجود یا پیوستن به اتحاد منطقه نخواهند داشت. ایالات متحده برای دست‌یابی به منافع ملی خود در خاورمیانه، حتی حاضر است متحدان قدیمی خود را کنار بگذارد؛ برای نمونه، این کشور در زمان حمله به عراق پس از مخالفت فرانسه، طیفی از تحریم‌ها را علیه پاریس که متحد سنتی واشینگتن بوده است و در چارچوب فکری یکسانی قرار داشتند، اعمال کرد و در نهایت دولت تحت‌الحمایه پیشین خود، صدام حسین را سرنگون ساخت.

## نتیجه‌گیری

خاورمیانه یکی از استراتژیک‌ترین مناطق در جهان از لحاظ ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی و حیاتی می‌باشد. همیشه این نقطه از دنیا جولانگاه حساس‌ترین و خطرناک‌ترین موضوعات و مسائل بوده است. بازیگران مهم منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای زیادی برای رسیدن به منافع ملی و دست‌یابی به هژمونی نسبی در این منطقه حساس شروع به دست‌اندازی کرده‌اند. عادی‌سازی و علنی‌سازی روابط اعراب و رژیم صهیونیستی بر اساس تجربیات و عوامل تاریخی متعددی تا به امروز یکی از بروزترین شاخصه‌ها در سیاست خارجی کشورهای منطقه بوده است. سناریو عادی‌سازی از آن دست مسائلی هست که تمامی کشورهای ساکن در منطقه را درگیر خواهد کرد و دولت‌ها به دنبال این احتمال در صدد دست‌یابی به امنیت داخلی خود هستند. فرآیند عادی‌سازی روابط اعراب با رژیم صهیونیستی در سطح جهانی در حال نهادینه شدن است.

پژوهش حاضر در صدد پاسخ به این سوال بود که عادی‌سازی روابط اعراب و رژیم صهیونیستی چه تاثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران خواهد گذاشت. در واقع به واسطه موقعیت حیاتی ایران در منطقه، عادی‌سازی روابط اعراب با رژیم صهیونیستی قدرت رصد، دیده‌بانی و استراق سمع این رژیم را در کشورهای همجوار و همسایه جهت کنترل کنش‌ها و اقدامات ایران افزایش خواهد داد و از این جهت رژیم صهیونیستی می‌تواند خارج نزدیک دور ایران را که همان عمق استراتژیکی ما می‌باشد مورد چالش و تهدید قرار دهد. در این میان کشور ایران جهت جلوگیری از روند شکل‌گیری این سناریوی احتمالی باید در عرصه بین‌المللی با اجماعی از کشورهای دوست منطقه بر علیه این رویکرد و اتفاق موضع‌گیری اساسی و حیاتی داشته باشد. چون با حضور یک بازیگر بیرون از منطقه و حضور در معادلات و تصمیم‌گیری‌های منطقه برای کشور ایران به مثابه یک نیروی خارجی اخلاک‌گر و ضد امنیت ملی می‌باشد. اقناع‌سازی افکار عمومی جهانیان یکی از موضوعاتی است که ایران با تاکید اساسی بر روی آن می‌تواند با همراهی برخی از کشورهای متحد منطقه‌ای از حضور مستمر رژیم صهیونیستی در منطقه جلوگیری نماید.

نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که رژیم اشغالگر فلسطین به واسطه محصوریت و محدودیت جغرافیایی در کرانه دریای مدیترانه و دریای سرخ در صدد است که با عادی‌سازی روابط در حوزه‌های مختلف (اقتصادی، نظامی - امنیتی) با کشورهای عربی و علنی‌سازی آن

در عرصه بین‌الملل به روابط نامناسب تاریخی خود با کشورهای عربی پایان دهد. پروژه ایران هراسی، سناریویی بود تا رژیم اشغالگر فلسطین حضور خود را بیش از گذشته در منطقه تقویت بنحشد. این رژیم برای رهایی از محصوریت و افزایش عمق استراتژیکی خود در منطقه مترصد فرصت است که با ایجاد روابط عادی سازی به هم‌جواری در مرزهای ایران نزدیک‌تر شود، تا از این رهگذر بتواند اقداماتی از قبیل رصد و کنترل اطلاعاتی- امنیتی، استراق سمع و دیده‌بانی را انجام دهد.

### منابع

۱. اختیاری امیری، رضا؛ رشیدی، احمد؛ سلطانیان، عبدالله (۱۳۹۹)، «اتتلاف دوفاکتو عبری- عربی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۹: ۱۰۱-۱۲۵.
۲. اسدی، رضا (۱۳۹۹)، «درباره رژیم امنیتی خاورمیانه»، قابل مشاهده در: <http://fdn.ir/19178>
۳. بوزان، باری و ویور، الی (۱۳۸۷)، «مناطق و قدرت‌ها، ترجمه رحمان قهرمان‌پور، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی».
۴. بلیس، جان و اسمیت، استیو (۱۳۸۳)، «جهانی شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین: موضوعات بین‌المللی، جهانی شدن در آینده، تهران، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر».
۵. «تمایل سه کشور عربی برای همکاری با رژیم اشغالگر فلسطین در زمینه کرونا» (۱۳۹۹)، قابل مشاهده در: [www.irna.ir/news/83782793](http://www.irna.ir/news/83782793)
۶. پرتو، امین، کریمی، مصطفی (۱۳۹۱)، «تأثیر انقلاب و ناآرامی در کشورهای عربی بر امنیت رژیم اشغالگر فلسطین: از نظرگاه درونی»، «مطالعات راهبردی»، س ۱۵، بهار ۱۳۹۱، ش ۱.
۷. پورحسن، ناصر (۱۳۸۷)، «جایگاه جنوب آسیا در سیاست خارجی رژیم اشغالگر فلسطین»، «مطالعات فلسطین»، پاییز، ش ۱۰.
۸. جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۹۴)، «چالش‌ها و منازعات در خاورمیانه، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی».

۹. درودیان، محمد (۱۳۷۶)، «بررسی علل اجتناب ناپذیری جنگ ایران و عراق»، مجله سیاست خارجی، س ۵، ش ۳.
۱۰. دهشیار، حسین، (۱۳۹۱)، سیاست خارجی آمریکا در تئوری و عمل، تهران، نشر میزان.
۱۱. رفیع، امین (۱۳۹۹)، ایران و عادی سازی روابط اعراب و رژیم اشغالگر فلسطین، قابل مشاهده در: <http://www.iirjournal.ir/fa1-3>
۱۲. روحی دهنه، مجید (۱۳۹۶)، «خاورمیانه پس از تحولات ۲۰۱۱ میلادی، بحران دولت ملی و نظم منطقه‌ای»، نشریه دولت پژوهی، ۳(۱۲): ۱۰۵-۷۱.
۱۳. زهرالدین، صالح (۱۳۸۰)، «طرح رژیم اشغالگر فلسطین بزرگ با توجه به عوامل جمعیتی، نفت و آب»، مجله مطالعات منطقه‌ای، ش ۸: ۲۸۶-۲۸۴.
۱۴. زیدآبادی، احمد (۲۴ مرداد، ۱۳۹۹)، «تحلیل توافق امارات و رژیم اشغالگر فلسطین»، قابل مشاهده در: <http://www.ensafnews.com/251917>
۱۵. شجاع، مرتضی (۱۳۸۸)، «بررسی اهداف و آثار حضور ناتو در خاورمیانه: با تاکید بر امنیت»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی، ش ۴، صص ۲۱۲-۱۹۵.
۱۶. عباسی خوشکار، امیر (۴ شهریور، ۱۳۹۹)، «عادی سازی روابط امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی؛ پیامدهای سیاسی، امنیتی و نظامی»، قابل مشاهده در: <https://ir.csr/fa/news/fa>
۱۷. عباسی، مجید، قیاسی، امیر و زهرا باباجانی پور (۱۳۹۲)، «راهبرد اتحاد پیرامونی رژیم صهیونیستی و نظریه موازنه تهدید در روابط بین الملل»، فصلنامه سیاست خارجی، ش ۱.
۱۸. عبدالله خانی، علی و کاردان، عباس (۱۳۹۰)، رویکردها و طرح‌های آمریکایی در مورد ایران، تهران، موسسه ابرار معاصر.
۱۹. فرازمنده، محمد (۱۳۸۸)، ایران و مناسبات جدید قدرت در خاورمیانه، ایران و اعراب، تهران، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.
۲۰. لطفیان، سعیده (۱۳۹۰)، «پندار از تهدید و سیاست‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه روابط خارجی، س ۳، ش ۱، صص ۲۰۷-۱۷۵.
۲۱. لوئیس، برنارد (۱۳۹۶)، دو هزار سال تاریخ: از ظهور مسیحیت تا امروز، ترجمه: حسن

- کامشاد، تهران، نشر نی.
۲۲. لیک، دیوید ای و پاتریک ام مورگان (۱۳۸۱)، *نظم‌های منطقه: امنیت‌سازی در جهانی نوین*، ترجمه: سید جلال دهقانی فیروزآبادی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۳. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۶)، *دموکراسی و هویت ایرانی*، تهران، نشر کویر.
۲۴. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۵)، *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، تهران، نشر سمت، چ ۱۱.
۲۵. مصلی نژاد، عباس (۱۳۹۰)، «تحلیل سیاست موازنه قدرت در رهیافت رئالیستی و نئورئالیستی»، *فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، س ۱، ش ۱، صص ۱۵۸-۱۳۱.
۲۶. نبوی، عبدالامیر (۱۳۸۹)، *خاورمیانه پژوهی*، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
27. Albright, David (February 23, 2010) A Strategy for Iran, www.CFR.org, Interviews.
28. Albright, David (February 23, 2010) A Strategy for Iran, www.CFR.org, Interviews32 .
29. Amanpour, Christian (14.May, 2015) “Former Saudi Intel Chief: Problem is ‘clouded’ U.S. policy” (Interview), Available at: <http://edition.cnn.com/videos/world/2015/05/14/intv-amanpour-prince-turki-al-faisal.cnn>.
30. Arab center for Research and Policy Studies (ACRPC) Arab Opinion Index 201718 Full Report(May 2018), accessed on 16/7/2020 at: <https://bit.ly/2YQ3WYN>
31. [Archivearticles/A43980-2004Dec7.html](http://Archivearticles/A43980-2004Dec7.html).
32. Bar’el, Zvi (2020) Is UAE’s Mohammed Bin Zayed a Machiavelli, Mussolini or Both?, at <https://www.haaretz.com/middle-east-news/.premium-is-uae-s-mohammed-binzayed-a-machiavelli-mussolini-or-both-1.9091386> (accessed October 18, 2020)
33. Falk, Richard (1997), *The Critical Realist Tradition and the Demystification of Interstate Power: E. H. Carr, Hedley Bull and Robert W. Cox*. In *Innovation and Transformation in International Studies*, edited by Stephen Gill and James H. Mittelman. Cambridge:

Cambridge University Press.

34. Haass, Richard. N (2006) The New Middle East, Foreign Affairs, November/December.
35. Katzman, Kenneth (2016) Afghanistan: post-taliban governance, security, and u.s. policy, congressional Research service, p.p.1-80, Available at: <http://fpc.state.gov/documents/organization/174244.pdf>.
36. Marquand, Robert (August 26, 2009) Skepticism over 'breakthrough' Middle East peace plan, [www.csmonitor.com](http://www.csmonitor.com).
37. Rudloff, P (2013) Offensive Realism, Defensive Realism, and the Role of Constraints Author(s) In: The Midsouth Political Science Review, Vol 14, 45-77.
38. Segev, g. shipov (2000) one Palestine, complete: jews and Arabs under the British mandate, New York Metropolitan Books.
39. Smith, C. D (2004) Palestine and the Arab Israeli Conflict: A History with Documents, Boston: Bedford/St. Martin's.
40. The Saban Forum (2017) America First and The Middle East: A Keynote Conversation with Jared Kushner. The Brookings Institution, December 3, at: [https://www.brookings.edu/wpcontent/uploads/2017/11/fp\\_20171205\\_keynote\\_kushner.pdf](https://www.brookings.edu/wpcontent/uploads/2017/11/fp_20171205_keynote_kushner.pdf).
41. The White House (2017) President Donald J. Trump's Proclamation on Jerusalem as the Capital of the State of Israel. December 06, at: <https://web.archive.org/web/20171206191507/https://www.whitehouse.gov/the-pressoffice/2017/12/06/president-donald-j-trumps-proclamation-jerusalem-capital-state-israel>.
42. Tiges Amt-de, nowomber - available.at: <https://www.a-us.waertiges-amt.de/en/saussen-politic/regional-esch-werpunkte/haner-mittlerosten/konfiikth-a-bost/-/228380/>.
43. Walt, Stephen (1987) The Origins of Alliances. New York: Cornell

- University Press.45.
44. Wright, Robin and Baker, Peter (2004) "Iraq, Jordan See Threat to Election from Iran", Available at: [http:// www. washingtonpost. com/ wp-dyn](http://www.washingtonpost.com/wp-dyn)
45. Yale Journal (2010/07/20)"Balancing Threat: The United States and the Middle East". Retrieved 2019/08/14, Available at: [http:// yalejournal. org/ interview\\_ post/ balancing- threat- the- unitedstates- and- the- middle- east.](http://yalejournal.org/interview_post/balancing-threat-the-unitedstates-and-the-middle-east)
46. Yalon, moshe and fried man, leech (2018) A historic opportunity for hormalize, foreigh Affairs 23 june .available at: [https:// www. research gate .net/ Dublications/337812665-israel-and-the-Arab-states-A-historic-opportunity-to-hormalize-relations.](https://www.researchgate.net/Dublications/337812665-israel-and-the-Arab-states-A-historic-opportunity-to-hormalize-relations)
47. Yaniv, Avner (1987) Deterrence without the Bomb, Lexington Books.